

## تفاوت گویش و لهجه چیست ؟

گویش به معنای تنوع و تفاوت‌های منطقه ای و قومی یک زبان را گویش می گویند .

**گویش‌ها شامل :** بیرجندی ، بهبهانی ، سیستانی ، شوشتری-دزفولی ، دشتی-تنگستانی ، لارستانی ، بندری

**لهجه ها شامل :** اراکی ، اصفهانی ، بروجردی ، بوشهری ، تهرانی ، جهودی ، خراسانی ، خوزستانی ، شیرازی ، قزوینی ، قمی ، کرمانشاهی ، کرمانی ، یزدی ، همدانی

**به انواع هر گویش، لهجه می گویند،** برای مثال گویش فارسی دارای لهجه‌های تهرانی، اصفهانی، شیرازی، کرمانی و غیره است و گویش گیلکی دارای لهجه‌های رشتی، لاهیجانی، رودسری، آستانه ای و ... و گویش کردی دارای لهجه‌های مهابادی، سنندجی، کرمانشاهی، ایلامی و غیره است. گویش‌ها از نظر آوایی، واژگانی و دستوری با هم تفاوت‌های بسیاری دارند و فهم آن‌ها نیاز به آموزش دارد. ولی لهجه‌های هر گویش معمولاً تنها تفاوت‌های آوایی و واژگانی دارند و فهم آن‌ها نیاز به آموزش چندانی ندارد. مثلاً یک نفر اصفهانی با یک تهرانی یا شیرازی به راحتی می‌تواند هم صحبت شود، ولی همین فرد اصفهانی وقتی با گویشور گیلکی یا مازندرانی و یا بلوچی روبرو می‌شود، اگر نخواهد از فارسی که برای آنان زبان میانجی به شمار می‌آید استفاده کند، دچار مشکل می‌شود.

**هر لهجه دارای گونه‌های زبانی نیز هست** که وابسته به شغل، تحصیل، سن و جنس گویشور است. مثلاً یک مرد اصفهانی تحصیل کرده با یک مرد بی‌سواد اصفهانی تفاوت لهجه دارد. و یا یک جوان اصفهانی در مقابل افراد مسن لهجه متفاوتی دارد. شغل و جنس نیز در ایجاد گونه‌های زبانی تاثیر می‌گذارد

**زبان فارسی افزون بر لهجه‌هایی مانند تهرانی، اصفهانی، شیرازی و جز آن، دارای گونه‌ای است که به آن فارسی معیار می‌گویند.** **فارسی معیار دارای دو گونه ی نوشتاری و گفتاری است،** این دو گونه از نظر واژگان و ساختار تفاوتی با هم ندارند و در واقع یکی هستند. تفاوت آن‌ها در این است که فارسی معیار نوشتاری را می‌نویسیم و فارسی معیار گفتاری را به همان شکل اصلی از روی نوشته می‌خوانیم، آن‌چه با فارسی معیار متفاوت است فارسی گفت و گویی (محواره ای) است، یعنی همان فارسی که با آن حرف می‌زنیم. این نوع فارسی از نظر آوایی، واژگانی و ساختار دستوری تفاوت‌هایی با فارسی معیار گفتاری دارد. مثلاً وقتی در فارسی معیار گفتاری می‌گوییم، "می‌گویم" یا "می‌روم"، در فارسی گفت و گویی (محواره ای) این دو فعل می‌شود "می‌گم" و "می‌رم"، می‌بینید که در فارسی گفت و گویی چه قدر کلمات را کوتاه می‌کنیم و یادر آن واژگان ویژه ی محاوره به کار می‌بریم، مثلاً خانه می‌شود خونه، نان می‌شود نون، دندان می‌شود دندون، و غیره. بنابراین این‌جا باید بر این نکته تاکید بکنیم که نباید دو اصطلاح فارسی گفت و گویی و فارسی معیار گفتاری را با هم اشتباه گرفت. در مقایسه ی لهجه‌ها و گویش‌ها نیز آن‌ها را با فارسی معیار مقایسه می‌کنند نه با فارسی گفت و گویی.

**فارسی معیار، در واقع فارسی آموزش است، یعنی ما وقتی می‌خواهیم بنویسیم به فارسی گفت و گویی نمی‌نویسیم.** البته ممکن است برخی به عنوان یک سبک آن را به کار ببرند، ولی همه متوجه می‌شوند که این فارسی معیار نیست. نوشتن را باید آموزش دید، حرف زدن را هر کسی در خانواده یاد می‌گیرد ولی مساله ی نوشتن چیز دیگری است. فارسی معیار همانی است که آن را می‌نویسیم و همان است که تا آموزش نینیم نمی‌توانیم آن را خوب بنویسیم. برای خوب نوشتن باید آموزش دید.

**منبع : تیبان**